

چکیده تفصیلی مقاله نوئل گاف^۱

• دکتر محمود مهرمحمدی

داستان تخیلی جنائی و پژوهش تربیتی: خواندن، نوشتن و تعاملات میان متنی

گاف در این مقاله نگاه به پژوهش تربیتی به مثابه یک کاوش جنائی و پردازش آن در قالب یک داستان (رمان) خیالی از نوع جنائی را توصیه می کند. به دیگر سخن او پژوهشگر تربیتی را به عنوان یک کارآگاه (detective) و به خدمت گرفتن رویکرد کارآگاهی را به عنوان یک قالب یا چشم انداز (استعاره) برای انجام پژوهش های تربیتی مفید و کارساز می داند. وی معتقد است در تحلیل نهائی پرسش اساسی همه پژوهش ها، خواه در عرصه فلسفه یا در عرصه تعلیم و تربیت، همان پرسشی است که پیش روی یک کارآگاه یا نویسنده یک رمان پلیسی است. آن پرسش نیز پرسش درباره یافتن مقصود پاسخگو (who is guilty) در قبال موقعیت ناخوش آیند یا مساله است. اشتراک در رمز های نشانه شناختی و تفسیری متون مربوط به این دو قلمرو نیز، به زعم گاف، الگو برداری از داستان های جنائی (پلیسی) که نوعا خیالی (fictional) می باشند را در پژوهش های تربیتی موجه و مدلل می سازد. در مقاله از وجوه مشترک دیگری نیز نام برده شده است.

روش شناسی مورد بحث این مقاله متکی به مفروضات مابعد ساختارگرائی (poststructuralism) است که شناخت انسان از حقیقت را در چارچوب فرایند بازنمائی و بازنمائی را وابسته به متن (text) می داند. این بنیاد معرفت شناختی که بعضا ضد واقع گرایانه (anti-realist) دانسته شده است، از نظر گاف ضرورتا به نفی واقعیت های خارجی نمی انجامد و تنها مدعای آن این است که شناخت ما از واقعیت ها در چارچوب بازنمائی های زبانی (discursive) مقدور است و بدین معنا واقعیت های فرازبانی (extra-discursive) را نمی توان توصیف و تصدیق کرد.

هم چنین روش شناسی پیشنهادی نویسنده در حوزه کلی روش شناسی حکائاتی یا روایتی (narrative) قرار دارد که نگارش جستار (essay) را دارای ویژگی "آزمایش در خلق معنا" (narrative experiment) می شناسد. البته

۱ - استاد دانشگاه لاتروب، ویکتوریا، استرالیا. n.gough@latrobe.edu.au

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۶/۲/۲۲ تاریخ آغاز بررسی مقاله: ۱۳۸۶/۲/۲۵ تاریخ تصویب مقاله: ۱۳۸۶/۷/۲۵



جستار در قالب فعلی، و نه اسمی، آن مورد نظر است که معانی مختلفی مانند آزمودن، سنجیدن و تلاش کردن برای آن مطرح شده است. چنانچه بخواهیم تعلق این روش شناسی به طبقات کلی روش شناسی یک گام فراتر نیز ببریم، باید به روش شناسی هنری و زیبا شناختی اشاره نمائیم که پژوهش های روایی یا حکائاتی خود جزئی از این روش شناسی شناخته می شوند. گاف ضمن تصدیق تعلق این روش شناسی به حوزه عام روش شناسی های هنری تصریح می نماید که پژوهش تربیتی مبتنی بر انگاره داستان های جنائی و پلیسی باید از نوع "هنرهای آزمایشی" (experimental art) دانسته شود.

در بخش پایانی مقاله نویسنده بر خلاف جریان کل مقاله که حاکی از حمایت او در جهت الگو برداری از داستان های تخیلی پلیسی در پژوهش های تربیتی است، به نقد مبانی هستی شناسی و معرفت شناسی این رمان ها پرداخته و خواننده را با پیشنهادی متفاوت روبرو می سازد. وی توضیح می دهد که رمان های جنائی در تحلیل نهائی متکی به هستی شناسی و معرفت شناسی مدرنیستی است. چراکه در این داستان ها فرض بر این است که یک حقیقت مکتوم (پنهان) وجود دارد که کارآگاه نهایتاً به بازشناسی آن در مقام یک قهرمان نائل می شود. برای خروج از این بن بست مبنائی، گاف ژانر (گونه) دیگری از داستان های پلیسی را به عنوان بدیل موجه تر جهت الگو برداری در پژوهش های تربیتی معرفی می کند که با مبادی هستی شناسی و معرفت شناسی پست مدرن سازگار است. اشاره او به ژانر موسوم به داستان های "ضد کارآگاهی" (anti detective) است که چون معرفت تحریک "تکانه های کشف و پرده برداری" از واقعیت اند و در عین حال "انتظار خواننده برای ارائه حل نهائی معما را هرگز برآورده نمی سازند" واجد این ویژگی شناخته می شوند. گاف آن گاه به تفصیل درباره یکی از داستان های پلیسی که، به زعم او، از مصادیق بارز این ژانر است بحث نموده و به تحلیل آن می پردازد. این داستان "به نام رز" (In the Name of Rose) نام دارد که در سال ۱۹۸۳ به رشته تحریر درآمده است.